

هراس افغانان خارجی، مهمانان ناخوانده برای تداوم جنگ در افغانستان

ولی آرین، روزنامه‌نگار آزاد زمانه

پس از هجده سال پیکار نفس‌گیر و اشنگتن و ناتو برای مهار هراس افغانان در افغانستان، هنوز هم این کشور جایگاه «آکسفورد تروریست‌ها» را در جهان دارد. هزاران پیکارجو از بخش‌های مختلف جهان در کنار طالبان، داعش و القاعده، جنگ افغانستان را سنگین، امنیت منطقه و جهان را با خطر جدی روبرو ساخته‌اند. ولی آرین، روزنامه‌نگار آزاد «زمانه» در این گزارش، نقش جنگی و پشتیبانی این پیکارجویان خارجی را از آسیای مرکزی، جنوب آسیا و تا خاورمیانه، کشورهای اروپایی و آفریقایی پژوهش کرده است. از هر سه جنگجوی طالب نیز، یکی آن را پیکارجویان خارجی در جنگ افغانستان می‌سازند.

نگارش این مقاله به دری است.



گروهی از اعضای دستگیرشده پاکستانی طالبان؛ کابل، ۵ ژانویه ۲۰۱۶ - عکس: WAKIL KOHSAR / AFP

یک شب سرد زمستانی؛ در پایگاه شوراب «بیشن» در هلمند، عملیاتی سازماندهی می‌شود. هیچ کس حتی نظامیان افغان که در این عملیات سهیم بودند، به درستی نمی‌دانند که چه رخ خواهد داد. هدف اما به نظامیان آمریکایی روشن بود؛ بازداشت و یا سرکوب چند فرمانده ارشد طالبان به شمول فرمانده نیروهای ویژه این گروه در جنوب افغانستان. نیروهای ویژه آمریکایی، به تنهایی این عملیات را طرح‌ریزی کرده بودند و اما در پیشبرد آن، نیروهای ویژه بومی تا ۷۵ تن نقش داشتند. عملیات در ناوقت های شب ۲۶ فبروری ۲۰۱۸ میلادی، سر و سامان می‌گیرد؛ از آماده‌گی‌ها و تدابیر سخت با ساز و برگ‌های سنگین نظامی، معلوم است که عملیات بزرگی در پیش گرفته شده است.

از هوا جنگنده‌ها، بالگردهای جنگی و هواپیماهای بی‌سرنشین آمریکایی و از زمین نیروهای ویژه و کوماندهای افغانستان با مشاوران آمریکایی، روستایی را در قلب فعالیت‌گاه طالبان در ولسوالی/ شهرستان گرشک در هلمند، در جنوب افغانستان نشانه می‌گیرند. سنگرهایی از طالبان محاصره می‌شوند. نزدیک به نیم ساعت نیروهای آمریکایی از هوا چندین پایگاه گروه طالبان را در روستای حیدرآباد گرشک، زیر رگبار می‌گیرند و پس از آن در زمین به نیروهای بومی دستور حمله می‌دهند. مرکزهایی از ساخت‌وساز ماین‌های کنارجاده و جلیقه‌های انتحاری طالبان نیز، در این‌جا بوده‌اند.

بامداد زود آن شب پیامی با یک عکس دریافتیم؛ عکس مردی با لباس‌های محلی، دستار سیاه، ریش کوتاه بلوند/ بور و چهره پریشان‌حال و خسته. از نخستین خبرنگارانی بودم که شاید پیش از مقام‌های ارشد دولت افغانستان، عکس آن مرد به

من رسید. چون یکی از چهره‌های اصلی این ماموریت که در جریان خبرنگاری من از نبردهای هلمند از سال ۲۰۱۳ با من آشنا شده، این خبر را با یک عکس به من رساند. عکس از یک مرد آلمانی بود؛ کسی که تقریباً شش سال در سنگرهای داغ جنگ در کنار طالبان، فعالیت کرده بود.

نام اصلی این مرد «توماس ک» و اما در میان طالبان به نام عبدالودود، معروف بود.

این افسر ارتش افغانستان که نمی‌خواهد کیستی‌اش افشا شود، در این گزارش به ما می‌گوید که توماس را می‌توان همچون یک مغز متفکر استخباراتی و نظامی طالبان در هلمند، شمرد. این طالب آلمانی از سازندگان نیروهای ویژه طالبان از خطرناک‌ترین جنگجویان این گروه، نیز شناخته می‌شود.

توماس در ماه اگست سال ۲۰۱۲ میلادی، از آلمان به کراچی پاکستان می‌رود و درست در همان سال از راه پاکستان وارد خاک افغانستان، می‌شود. آن نظامی افغان، می‌گوید: او «توماس ک» از افراد عادی طالبان نبود؛ توماس با رهبری طالبان رابطه داشت. او یک شخص بسیار فعال و زیرک در میان طالبان بود.

هرچند ریشه حضور هراس‌افکنان [تروریست‌های] خارجی در جنگ افغانستان، برمی‌گردد به زمان جهاد مردم افغانستان در برابر اشغال شوروی و نظام‌های کمونیستی در این کشور، اما پس از پیروزی جهاد در افغانستان هم، این جنگجویان از کشور بیرون نشدند و در کنار طالبان در زمان حاکمیت این گروه و تا امروز ماندند. شش سال پیش گروه داعش نیز، با هم‌آغوشی جنگجویان خارجی در افغانستان، ظهور کرد.

طالبان از پیدایش تا حال، ستیزه‌جویان خارجی را در کنارشان داشته‌اند. عرب‌های وابسته به شبکه القاعده، از زمان جهاد در افغانستان مانده‌اند. پس از هجده سال نبرد سنگین در این کشور، اکنون بار دیگر جنگجویان القاعده در بخش‌هایی از افغانستان، سربلند کرده‌اند. کسانی که بیشتر تمرکزشان نسبت به خاورمیانه به کشورهای آسیایی به ویژه جنوب آسیا است. امروز نیز، پیوند طالبان با شبکه القاعده ناگسستگی است.

عاصم عمر، رهبر شبکه القاعده در شبه قاره هند که هندی‌تبار پاکستانی بود، در یک عملیات نیروهای مسلح افغانستان در ماه سپتامبر ۲۰۱۹ میلادی، در ولسوالی موسی قلعه و لایت هلمند، کشته شد. منابع ما می‌گویند که القاعده در ولایت‌های هلمند، کندهار، زابل، پکتیکا، فراه، غزنی، نیمروز و کنر، فعالیت دارند. در بخش‌هایی که طالبان و داعشیان به گونه گسترده فعال هستند و رابطه القاعده با این هر دو نیز خوب است.

در این گزارش پهلوهایی پنهان جنگ‌ها و پیکارجویان خارجی در افغانستان، از منابع معتبر در درون حکومت افغانستان، نیروهای امریکایی و بریتانیایی و از درون طالبان با استناد به مدرک‌ها، موشگافی شده است.

اسرار این جنگ بهتر از دیگران بر امریکاییان، روشن بوده است. کسانی که در مهم‌ترین ماموریت جنگی بر ضد طالبان، القاعده و داعش در ۱۸ سال پسین، نقش اساسی در افغانستان داشته‌اند.

لورینس سیلین، یکی از افسران ارشد بازنشسته جنگ‌های افغانستان و عراق است، پژوهش‌های زیادی در پیوند به حضور و نقش جنگجویان خارجی هراس‌افکنان در افغانستان و به ویژه نقش ارتش و جنگجویان پاکستان، داشته است. سیلین یک متخصص فن‌آوری اطلاعاتی «آی‌تی» است و در بخش اطلاعات مربوط به جنگ امریکا در افغانستان نیز، تخصص دارد. این نظامی کهنه‌کار امریکا، در این گزارش به ما می‌گوید که خارجیان زیادی از کشورهای مختلف جهان در کنار طالبان می‌جنگند.

لورینس سیلین، افسر پیشین امریکا در جنگ افغانستان و عراق، می‌گوید: جنگجویان خارجی زیادی برای طالبان، داعشیان و القاعده می‌جنگند. عرب‌ها، چینی‌ها، اروپایی‌ها، از کشورهای آسیای مرکزی، هندی‌ها و از بسیار کشورهای دیگر. ترک‌ها و ایرانی‌ها نیز با طالبان و داعش استند، اما شمار پاکستانیان در جنگ افغانستان بسیار است. ایران در غرب افغانستان یک گروه طالبان را دارد.

توماس در هنگام فرار به چنگ نیروهای ویژه افغانستان می‌افتد و اما پس از آن که به پایگاه شوراب/بیشن، منتقل می‌شوند، نیروهای امریکایی او را با خودشان نگه می‌دارند. بر بنیاد گفته‌های آن افسر ارشد نیروهای ویژه کشور، این چهره مهم آلمانی طالبان، به زبان پشتو نیز تا اندازه‌ی بلدییت داشته است.

نیروهای بومی، توماس ک را در هنگام بازداشت، لت و کوب نیز کرده بودند؛ زیرا توماس، خودش را گنگ معرفی کرده بود و از همین رو تا بر سر گپ آوردن، می‌زنندش می‌کنند [شکنجه جسمی]. این مرد، بارها نیز تلاش کرده بود تا در جریان عملیات و بازرسی روستا، از چنگ نیروهای افغان بگریزد. توماس، مشاور نظامی ملا ناصر، فرمانده نیروهای ویژه / قطعه سرخ طالبان در هلمند نیز بود.

توماس در پোলند زاده شده است و اما بزرگ شده آلمان، است. او نوجوانی پرماجرایی داشته. چنانکه خودش در دادگاهی در شهر دوسلدورف آلمان گفته است، در نوجوانی هنگامی که ۱۶ ساله بود، پدرش را از دست می‌دهد. این طالب آلمانی، پس از آن مسلمان می‌شود و اما به علت بیماری روانی و ناتوانی جسمی، از خدمت در ارتش آلمان نیز معاف می‌شود. مکتب را هم کامل نکرده است.

توماس در یک نهاد خیریه مسلمانان در شهر «فورم» آلمان، شکار کسانی می‌شود که برای گروه‌های هراس افکن در آلمان، فعالیت می‌کنند. سرانجام توماس، تصمیم می‌گیرد که برای پیشبرد فعالیت‌های بنیادگرایانه و هراس افکنانه، بی‌هیچ چالشی به پاکستان برود.

منابع ما در نیروهای ویژه افغانستان، می‌گویند که توماس کارهای سازنده برای طالبان کرده است. در جایی که این طالبان آلمانی در هلمند بازداشت شده بود، از قرارگاه‌های نیروهای ویژه طالبان است. نیروهای ویژه طالبان، خطرناک‌ترین و آبدیده‌ترین پیکارجویان این گروه هستند و ماموریت‌های جنگی‌شان را نیز درست همانند کوماندوها، به پیش می‌برند.

نیروهای دولتی تا گرفتاری توماس، جنگ نفس‌گیری با طالبان در روستای حیدرآباد گرشک داشتند؛ جایی که از چهارسال بدینسو به گونه کامل از سوی طالبان، اداره می‌شود.

در زیر نقشه ورودی نیروهای خارجی متحد با طالبان را می‌بینید*:

۲۰۰۰۰ جنگجوی خارجی طالبان

بر اساس پژوهش ما، شمار جنگجویان طالب در افغانستان از ۶۰ هزار تا ۱۰۰ هزارتن می‌رسد که از هر سه طالب یک جنگجوی آن شهروند خارجی است. بیشترین جنگجویان این گروه را در میان خارجیان، پاکستانیان و پس از آنان پیکارجویان کشورهای آسیای میانه می‌سازند. جنگجویان اروپایی تعدادشان انگشت‌شمار است.

تعداد جنگجویان طالب در حال تغییر است، زیرا در فصل سرما از شمار این پیکارجویان کاسته می‌شود و در بهار و تابستان که فصل جنگ افغانستان است و با تعطیلی‌های مدارس دینی در پاکستان، شمار این جنگجویان به بالاترین رقم در میدان‌های نبرد می‌رسد. یک شمار جنگجویان خارجی طالبان، تنها برای پیشبرد عملیات‌ها از پاکستان به افغانستان می‌آیند و با پایان ماموریت به لانه‌های‌شان برمی‌گردند.

لورینس سیلین، نظامی ارشد بازنشسته امریکایی، می‌گوید که پاکستانیان به‌مثابه بازوان پر قدرت طالبان در جنگ افغانستان، عمل کرده‌اند و این نبرد ریشه از پاکستان و از مدرسه‌های دینی این کشور، می‌گیرد. آقای سیلین، در جنگ‌های عراق، افغانستان و در جنوب آفریقا نیز، تجربه ماموریت‌های پیچیده را داشته است.

یافته‌های این نظامی کهنه‌کار امریکایی از جنگ افغانستان، نشان می‌دهند که نظامیان پاکستانی دست بلندی در این جنگ داشته‌اند و از طالبان همچون نیروهای نیابتی، استفاده برده‌اند.

لورینس سیلین می‌گوید: اینان «طالبان» همه‌شان افغان نیستند. معمولاً خارجی‌ها از پاکستان به افغانستان می‌آیند.

در این پژوهش، هر گروه هراس افکن خارجی در افغانستان، علیحده به بررسی گرفته شده است. در جنگ این کشور ۲۰ گروه هراس افکن خارجی و از ۱۸ کشور با طالبان و داعش، هم‌آغوشی جنگ دارند. بزرگترین شمار این جنگجویان اعضای گروه‌هایی هستند که از دیرزمانی در افغانستان آشنایی و نقش پا داشته‌اند؛ گروه‌هایی به شمول القاعده از زمان جهاد و پس از آن تا حکومت طالبان «۲۰۰۱» و در ۱۸ سال پسین.

نقش اساسی پیکارجویان خارجی در جنگ افغانستان

پیکارجویان خارجی در افغانستان، نقش‌های اساسی در بلند بردن مهارت‌های جنگی و استخباراتی، آموزش‌های نظامی، ساخت‌وساز بمب‌ها و ماین‌ها را نیز به طالبان، داشته‌اند.

برخی از فرماندهان ارشد پیشین طالبان نیز، در این گزارش پذیرفته‌اند که جنگجویان خارجی نقش گسترده در میدان‌های جنگ افغانستان در کنار طالبان، داشته‌اند. یک فرمانده پیشین طالبان که می‌خواهد نامی ازش در این گزارش برده نشود، می‌گوید که پاکستانیان نقش سازنده در این جنگ داشته‌اند. این فرمانده پیشین طالبان که میانه نزدیک با دفتر سیاسی طالبان در قطر نیز دارد، می‌گوید که با گرم گرفتن گفت‌وگوهای صلح میان امریکاییان و طالبان، پیکارجویان خارجی از این کار ناخشنود شده‌اند.

این فرمانده پیشین طالبان، نقش رهبری‌کننده در چند جبهه جنگ افغانستان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی و پس از آن تا سال ۲۰۰۴ میلادی تا هنگامی که به دلایل نامعلومی در پاکستان بازداشت شد، در کنار طالبان بر ضد نیروهای خارجی و دولت افغانستان، داشت. این مرد، نزدیک به پنج سال تا ۲۰۰۹ میلادی، در بند نیروهای امریکایی در افغانستان بود و اما با سپرده‌شدنش به دولت افغانستان، از سوی حامد کرزی رییس‌جمهور پیشین افغانستان، با چند فرمانده دیگر طالبان آزاد شد.

این فرمانده پیشین گروه طالبان، می‌گوید: «طالبان افغان با طالبان پاکستانی و دیگر خارجی‌ها یک رابطه بسیار نزدیک داشته‌اند، اکنون اما، بعضی از آنان با داعش، پیوسته‌اند.»

توماس نیز، پیشینه فعالیت در پاکستان و با شبکه حقانی، دارد. این مرد آلمانی، پس از آشنایی با گروه طالبان در پاکستان، به هلمند آمده بود. شبکه حقانی از خطرناک‌ترین گروه‌های هراس افکن شناخته شده است که خونین‌ترین حمله‌ها را در افغانستان، داشته است.

اداره پولیس جنایی آلمان در پایان سال ۲۰۱۴ میلادی، در پیوند به این مرد هشدار داده بود. نماینده‌گی ملل متحد در کابل، تهدیدهای برخاسته از توماس را هم همگانی ساخته بود که: توماس ک، یک شهروند آلمانی حمله‌یی را در کابل، احتمالاً بر یک نهاد بین‌المللی، طرح‌ریزی کرده است.»

بر اساس پژوهش ما، توماس ک، از مشاوران مهم نظامی طالبان در جنوب کشور بود. آن افسر ویژه ارتش افغانستان که در بازداشت توماس نقش اساسی داشت، سال‌های درازی است که در بخش‌های جنگ‌زده افغانستان و در هلمند، فعالیت داشته است. او از خوب و بد طالبان و از حضور افراد این گروه در هلمند نیز، بهتر آگاهی دارد. این مرد، در بزرگترین جنگ‌ها در هلمند، نقش سازنده‌ای در سرکوب طالبان و دیگر هراس افکنان داشته است.

یک افسر نیروهای ویژه ارتش افغانستان می‌گوید: «توماس ک، از کسانی بود که رازهای عملیاتی ما را با طالبان، شریک می‌ساخت. او به یک مخابره ویژه ما دست یافته بود و هر معلوماتی را که درباره چگونگی عملیات‌ها و حمله‌های مان با مشاوران امریکایی شریک می‌کردیم، توماس آن را شنود می‌کرد و پس از تحلیل و بررسی اوضاع، به طالبان می‌گفت که یا بر ما حمله بکنند یا این که توان ایستاده‌گی را ندارند و از ساحه باید بیرون شوند. توماس، بیشتر مصروف سروسامان بخشیدن جنگ‌های قطعه سرخ/نیروهای ویژه طالبان بود، نه از طالبان عادی...»

نقش پیکارجویانی پاکستانی

قطع رابطه با گروه‌های هراس افکن خارجی، از شرط‌های اساسی صلح با طالبان است. فرمانده پیشین طالبان نیز، می‌گوید که این شرط سبب شده است تا جنگجویان خارجی از طالبان ببرند و با داعشیان و دیگر گروه‌های ضد آرامش در افغانستان یکجا شوند تا تنور جنگ افغانستان را گرم نگه‌دارند. بنیاد اختلاف‌ها و چند دست‌گذاری در میان طالبان، پس از مرگ ملا عمر، بنیان‌گذار امارت اسلامی طالبان در کشور، به وجود آمده است. طالبان در بخش‌هایی از ولایت‌های زابل، هلمند و هرات، به جان خود نیز افتاده‌اند.

منابع ما در نهادهای امنیتی و استخباراتی افغانستان و نیز در میان افراد نزدیک به طالبان، می‌گویند که دلیل پیوستن یک بخش مهم طالبان پاکستانی با داعش، اختلاف بر سر رهبری آنان بوده است: مثلاً حافظ سعید، نخستین رهبر شاخه خراسان داعش در افغانستان، از اروکزی ایجنسی پاکستان از افراد کلیدی تحریک طالبان پاکستانی، بود. حافظ سعید، می‌خواست که پس از کشته‌شدن حکیم‌الله محسود و بیت‌الله محسود، رهبران پیشین تحریک طالبان پاکستانی، رهبری این گروه را بر عهده بگیرد، و اما این کار که نشد با جدایی از طالبان پاکستانی، به داعش بیعت کرد. حافظ سعید، در ماه اگست ۲۰۱۶ میلادی، در ولسوالی اچین ننگرهار در نزدیکی‌های مرز با پاکستان در خاک افغانستان، کشته شد.

تنها ستیزه‌جویان افراطی پاکستان نه، در مواردی نقش پای نظامیان پاکستانی نیز در میدان‌های جنگ کشور، دیده شده است. حضور نظامیان پاکستانی در جنگ هلمند، بیشتر از هر جای دیگری مشهود بوده است. منابع ما در وزارت دفاع و امنیت ملی افغانستان، پرده برداشته‌اند که نظامیان پاکستانی جنگ‌های بزرگ طالبان را در جنوب و شرق افغانستان، رهبری می‌کرده‌اند؛ جنگ‌هایی را به ویژه در هلمند، ننگرهار و کنر...

محمد یوسف، فرمانده پیشین ولسوالی ناری کنر در شرق افغانستان، به ما می‌گوید که نقش نظامیان پاکستانی در نبردهای طالبان در کنر، برجسته بوده است. فرمانده یوسف می‌گوید: «ما همواره و مستقیماً با استخبارات و نظامیان پاکستانی، درگیر جنگ هستیم. دیگران «طالبان» دست‌بوسان آنان هستند.»

در این میان، یک افسر پیشین نیروهای بریتانیایی نیز در این گزارش، می‌گوید که نقش جنگجویان پاکستانی به ویژه در جنگ هلمند در جنوب افغانستان، گسترده بوده است. مایک مارتین که دو بار در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ میلادی در هلمند ماموریت داشت، تاکید می‌ورزد که جنگجویان پاکستانی و دیگر خارجی‌ها، از راه وزیرستان برای پیشبرد نبردها به جنوب افغانستان می‌آمدند و از همین راه برمی‌گشتند.

مایک مارتین، از مشاوران کلیدی نیروهای بریتانیایی، در دو دوره ماموریت‌اش در هلمند بود. نویسنده چند کتابی درباره جنگ افغانستان نیز است. کتاب «An Intimate War» روایت‌های جنگ هلمند را از سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۲ میلادی تا پایان آخرین ماموریت‌اش در این ولایت، نوشته است.

مایک مارتین می‌گوید که تا سال ۲۰۰۶ میلادی، نقش نظامیان پاکستانی در جنگ هلمند برجسته بود و اما پس از آن و با افزایش سربازان بریتانیایی و امریکایی در این ولایت، جلو آنان گرفته شد. زیرا آنان می‌دانستند که حضورشان در هلمند در موجودیت این نیروها، بر روابط لندن و اسلام‌آباد اثر خواهد گذاشت. مارتین به این باور است که با پایان ماموریت نیروهای بریتانیایی در هلمند، ممکن است نظامیان پاکستانی دوباره در جنگ این ولایت در کنار طالبان، نقش بازی بکنند.

به گفته افسر پیشین نیروهای بریتانیایی، اکثر آ جنگجویان طالبان در هلمند، پاکستانی‌ها هستند: «در سال‌هایی که من در هلمند ماموریت داشتم، هیچ پیکارجوی دیگر «خارجی» را به غیر از پاکستانی‌ها و بعضی هم ایرانی‌ها، ندیدم.»

بر اساس پژوهش ما، در سرتاسر پاکستان، بیش از ۱۵۰ هزار مدرسه دینی فعالیت می‌کند. بیشتر این مدرسه‌ها زیر نام تعلیمات اسلامی، مشغول تدریس بنیادگرایی و گسترش خشونت‌ها هستند و از این میان تنها ۲۵ هزار مدرسه به گونه رسمی در این کشور، ثبت شده است. از این میان، در بیش از ۲۵۰۰ مدرسه در پاکستان بیشتر کسانی آموزش می‌بینند که به جنگ افغانستان فرستاده می‌شوند.

در این مدرسه‌ها ۵۱ گروه بنیادگرا نقش برجسته در ترویج تندروی دارند. گروه‌هایی که با تعطیلی‌های بهاری و تابستانی این مدرسه‌ها، دانشجویان را سرباز میدان‌های جنگ افغانستان می‌سازند.

پیکارجویان پاکستانی، در بیشتر جنگ‌های طالبان در افغانستان، نقش داشته‌اند. حضور این جنگجویان در حمله‌ها بر شهرهای کندز، غزنی و فراه نیز برجسته بوده‌اند. در جنگ‌هایی که باعث سقوط شهر غزنی در اکتوبر ۲۰۱۸ میلادی شد، اجساد زیادی از جنگجویان پاکستانی در میدان‌های نبرد ماندند. منابع ما از کشته‌شدن چهل پاکستانی در این جنگ، پرده برداشته‌اند.



گروهی از اعضای دستگیرشده پاکستانی طالبان؛ کابل، ۵ ژانویه ۲۰۱۶ - عکس: WAKIL KOHSAR / AFP

ایران نیز بی‌مداخله در جنگ افغانستان نبوده است

ایران اما هم‌زمان یک جنگ پیچیده استخباراتی را در جنوب و غرب افغانستان به ویژه در هلمند، به راه انداخته است. بخشی از مشکل جدی ایران بر سر آب دریای هلمند بوده است؛ چیزی که سالانه بین ۲,۵ تا ۳ میلیارد مترمکعب آب دریای هیرمند، به ایران سرزیر می‌شده است. اما با ایجاد بندهای آب‌گردان در مسیر دریاهایی که آب آن‌ها به ایران می‌رفت، کم‌آبی در بخش‌هایی از شرق ایران به بار آمده است.

مایک مارتین، افسر پیشین بریتانیایی در هلمند می‌گوید که پیکارجویان ایرانی به گونه مستقیم در میدان‌های جنگ هلمند فعال نبوده‌اند و اما ایران در برآورده شدن اهدافش از طالبان استفاده می‌کرده است. این نظامی‌کهنه‌کار بریتانیایی، به این باور است که ایران با فراهم‌ساختن پول و جنگ‌افزار به طالبان، جنگ‌افروزی می‌کرده است و مانع فعالیت بند کجکی نیز در هلمند می‌شده است.

مایک مارتین می‌گوید: “در هلمند کارمندان استخباراتی ایران، بسیار فعال بوده‌اند. ماموران استخباراتی ایران، در واقع هر دو ماه یک بار می‌آمدند. آنان در ولسوالی‌های کجکی، گرمسیر، نوزاد، واشیر و در مارجه ظاهر می‌شدند.”

در مسیر رودخانه هیرمند، فعالیت‌های طالبان گسترده است. منابع آگاه در وزارت انرژی و آب افغانستان می‌گویند که آب رودخانه هیرمند، از عوامل مهمی بوده است که ایران همواره می‌خواسته است تا با پشتیبانی از گروه طالبان، مانع ایجاد بندهای آب‌گردان در خاک افغانستان در این مسیر شود.

در سال ۲۰۱۷ میلادی، در نشستی در تهران نیز مقام‌های ارشد ایرانی، به هیات افغانستان هشدار می‌دهند که اگر کابل به خواست تهران در پیوند به آب هیرمند موافقت نکند، ایران به زبان دیگری با افغانستان حرف خواهد زد. منابع ما از این نشست پرده برمی‌دارند که مقام‌های ایرانی، هیات افغانستان را که در راس آن یک عضو ارشد شورای امنیت ملی افغانستان بود، تهدید می‌کنند که اگر حکومت افغانستان در این زمینه همکاری نکند، ایران برای برآورده‌شدن اهدافش بر سر آب با طالبان کنار خواهد آمد.

وزیر پیشین انرژی و آب افغانستان، که اکنون مشاور ارشد داکتر عبدالله، رییس اجراییه حکومت افغانستان است، در این گزارش، ایران را تهدید جدی در برابر منابع آبی کشور برمی‌شمارد.

علی احمد عثمانی، وزیر پیشین انرژی و آب افغانستان: «فشارهای نظامی و سیاسی بر حکومت ما تحمیل می‌شد. در یکی از مذاکرات ایزرانگر در تهران میان ایران و افغانستان، هیات ما توسط مذاکره‌کننده ایرانی تهدید شده بود. جانب ایران گفته بود که اگر در بخش آب با ما توافق نکنید، ما ناگزیر هستیم که با طالبان همکاری کنیم، بخاطری که حکومت آینده را تشکیل می‌دهند.»

در معاهده سال ۱۳۵۱ هجری خورشیدی، حق‌آبه ایران از هیرمند ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب در سال مشخص است و اما تا ۳ میلیارد متر مکعب آب نیز در سال ایران از آب هیرمند، استفاده برده است. در سال‌های پسین اما، ساخت و ساز بند‌های آب‌گردان در خاک افغانستان، ایران را سخت به چالش گرفته است. از همین رو، ایران دست به کارهایی می‌زده است تا مانع این سدها شود.

جنگجویان اروپایی طالبان

جنگجویان اروپایی نیز، سهم‌شان را در جنگ هلمند در کنار طالبان، ادا کرده اند. آن یکی از این جنگجویان، توماس ک است. مردی که از ویژگی‌های منحصربه‌فرد در آموزش‌های پیش‌مرگان طالب و مشورت دهی‌های رهبران و فرماندهان جنگی طالبان داشت. توماس، همراه با سه فرمانده ارشد گروه طالبان بازداشت شده است؛ از روستای حیدرآباد ولسوالی گرشک در قلب فعالیت‌گاه طالبان...

از توماس ک، مغرمتفکر تبلیغاتی طالبان نیز، نام برده می‌شود. این مرد، در دادگاه نیز گفته است که می‌خواست مستندی را از جریان حملات طالبان، بسازد. توماس، در این کار با دو برادر به نام‌های یاسین و منیر چوکا، آلمانی‌های مراکشی‌تبار که در پخش تبلیغات جهاد شهره استند، در بخش‌های مرزی افغانستان و پاکستان، برای فعالیت سر می‌کشند.

توماس و برادران چوکا، کار تصویربرداری این مستند را در تابستان سال ۲۰۱۴ آغاز کردند. توماس در این مستند، موشکی را بر یک پایگاه ارتش افغانستان، شلیک می‌کند و اما به گفته خودش، خمپاره اش به هدف نمی‌رسد. بر بنیاد اطلاعات دادگاه، یاسین و منیر چوکا، بعدتر به سوریه می‌روند که گفته می‌شود یاسین در سال ۲۰۱۵ در ایران کشته شده است و از سرنوشت منیراما، تا هنوز خبری نیست.

توماس ک، در دادگاه پذیرفته است که همچون یک فرد عادی با طالبان همکاری داشت. آن افسر ویژه ارتش افغانستان اما که در بازداشت این مرد نقش داشت، می‌گوید که توماس از جایگاه بلندی در میان رهبری گروه طالبان در جنوب افغانستان به ویژه در هلمند، برخوردار بود.

طالبان اروپایی بیش از نقش جنگی، نقش تبلیغی و تلاش برای تامین ارتباطات میان طالبان و دیگر سازمان‌های تروریستی به‌ویژه اروپایی‌ها داشته‌اند. اما نقش جنگی برخی از شهروندان اروپایی را که با طالبان در سال‌های پسین پیوسته‌اند، نیز نمی‌شود نادیده گرفت. آنان نقش سازنده‌ای در میدان‌های جنگ افغانستان و در طرح‌ریزی عملیات‌ها داشته‌اند.

محمد شفیق همد، مشاور پیشین ناتو در افغانستان، در این گزارش نقش جنگجویان اروپایی را نسبت به دیگر جنگجویان خارجی در میدان‌های جنگ افغانستان، نگران‌کننده می‌داند. آقای همد، می‌گوید که ناتو نیز از نقش اروپایی‌ها در صفوف طالبان و داعشیان در افغانستان، خشمگین بوده است.

محمد شفیق همد، مشاور پیشین ناتو در افغانستان، می‌گوید: «روابط اروپایی‌ها با طالبان و داعشیان، دوگونه است: یکی این‌که می‌آیند و مستقیم می‌جنگند و دوم رابطه غیرمستقیم دارند. مثلاً در بسیاری از موارد کسانی که عامل حمله‌ها در اروپا و امریکا بوده‌اند، از طریق انترنیت و ویدیوها، تحت تاثیر داعش، القاعده و طالبان قرار گرفته‌اند. این گروه‌ها، با فرستادن ویدیوها از خشونت‌های‌شان، افرادی را که در اروپا زیر نظر دارند، شستشوی مغزی می‌کنند.»

توماس ک. در یک عملیات ویژه بازداشت شد. نیروهای امریکایی این طالب آلمانی را برای چند هفته بی در پایگاه نظامی بگرام نگه داشتند. پایگاه نظامی بگرام از بزرگترین و مهمترین پایگاه‌های نظامی امریکاییان در افغانستان است. جایی که نیروهای امریکایی پس از گوانتانامو، بزرگترین و خطرناکترین هراس افکنان را نیز در همین جا، نگه می‌داشته‌اند. تحقیقات نخستین از توماس نیز، در زندان بگرام انجام شده بود و اما پس از آن به آلمانی‌ها سپرده شد تا در داخل آلمان به کیفر برسد.

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان اما در این گزارش می‌گوید که جنگجویان خارجی به ویژه عرب‌ها، از زمان جهاد در افغانستان، به این گروه به میراث مانده بودند. به گفته این سخنگوی طالبان، پس از آن که نبردها در کشورهای عربی آغاز شد، بسیاری از آنان برای نبرد به کشورهای شان برگشتند. شهروندانی از عراق، سوریه، لیبیا و دیگر کشورهای عربی...

در جریان پژوهش این گزارش اما، نواری به دست ما رسید که از حضور جنگجویان تازه‌نفس خارجی در کنار طالبان در ولایت جوزجان در شمال افغانستان، پرده برمی‌داشت. این جنگجویان، اغلب جوانان بودند. از کشورهای آسیای میانه به ویژه از تاجیکستان و ازبیکستان. یک فرمانده طالبان افغان از آنان در یک منطقه مسکونی، به گرمی استقبال می‌کند.

این نوار از سال ۲۰۱۸ میلادی است و اما برخلاف حرف‌های ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان، اینان کسانی بودند که برای دوام جنگ طالبان آمده بودند.



تصویر بالا دو صحنه از ویدئوی مربوط به حضور و غیاب اعضای خارجی طالبان را نشان می‌دهد. زمانه به علت آشکار بودن چهره چند کودک این محل در ویدئو از انتشار آن معذور است. در زیر می‌توانید صدای این ویدئو را بشنوید:

Audio Player

00:00

00:00

[Use Up/Down Arrow keys to increase or decrease volume](#)

در این نوار تصویری دیده می‌شود که فرمانده طالبان، فهرستی از نام‌های این جنگجویان و نام کشورهای آنان را از پیش در اختیار داشته است. در این نوار چند کودک نیز در میان این مردان به چشم می‌خورد. ظاهراً این نوار حضور طالبان را با این یاران خارجی‌شان در ولسوالی درزاب جوزجان در شمال افغانستان نشان می‌دهد. در میان این جنگجویان از یک پیکارجوی فرانسوی نیز به نام «ابومریم» یاد می‌شود. از جنگجویانی از اندونزی و ترکیه نیز در میان این ستیزه‌جویان نام برده می‌شود.

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان می‌گوید: «سال قبل هنگامی که مشکلات ما با داعش در شمال افغانستان در جوجان پیدا شد، ما تعدادی از افراد داعش را که از اوزبیکستان و تاجیکستان بودند، دستگیر کردیم و تعدادی را هم امریکایی‌ها و حکومت افغانستان، نجات داد. اما در جنگ غزنی که ادعا شد طالبان پاکستانی کشته شده بودند، دروغ بود. از گذشته مهاجران افغان که در پاکستان زندگی می‌کنند، طبعاً آنان کارت مهاجرت دارند و به این معنی نیست که شهروندان پاکستان استند.»

در آلمان اما دادگاه بر خلاف انتظار نظامیان افغان حکم کرد. دادگاه عالی شهر دوسلدورف، در ماه دسامبر سال ۲۰۱۸ میلادی، توماس را به شش سال زندان محکوم به مجازات کرد. قاضی نیز گفت که: «ما شما را به عنوان یک تروریست برجسته نمی‌بینیم، اما شما کسی هم نیستید که خس دزد** باشید.»

توماس مدتی را با شبکه حقانی، نیز در ساحه زیر حاکمیت طالبان گذرانده است. این طالب آلمانی، به دست داشتن در حمله انتحاری بر سفارت آلمان نیز متهم شده بود، اما این اتهام در دادگاه ثابت نشد. این حمله که به روز ۳۱ ماه می ۲۰۱۷ در کابل رخ داد، بیش از ۱۵۰ کشته و ۴۰۰ زخمی برجا گذاشت.

سازمان اطلاعاتی ارتش آلمان، از احتمال وقوع آن از پیش آگاهی داشت و یافته‌هایش را هم با استخبارات افغانستان ۶ روز پیش از این رویداد، شریک ساخته بود. امنیت ملی افغانستان ۶ ماه پس از وقوع این حمله خونین، از بازداشت ۳ تن از سازماندهندگان این رویداد که وابسته به شبکه حقانی بودند، خبر داد.

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان اما می‌گوید که توماس، هیچ نقشی در میان طالبان نداشته است. در حالی که توماس در دادگاه پیوندش را با طالبان پذیرفته است و گفته که می‌خواست بر یک کاروان نیروهای امریکایی نیز حمله انتحاری بکند؛ چیزی که به گفته خودش موفق به این کار نشد.

ذبیح الله مجاهد می‌گوید: «توماس زندگی شخصی خودش را به حیث یک مهاجر داشت و در بخش نظامی ما فعال نبود. ما زمانی آگاه شدیم که بازداشت شده بود. شاید اصلاً شخص نظامی نباشد و هیچ آموزش نظامی ندیده باشد.»

کدام گروه‌ها مشمول جنگجویان خارجی طالبان استند؟

پاکستان

«لشکر طیبه: از بزرگترین سازمان‌های هراس افکن در جنوب آسیا است و در خاک پاکستان فعالیت دارد. این لشکر در سال ۱۹۹۰ میلادی، از سوی سازمان استخبارات نظامی پاکستان «آی ایس آی» برضد هند و برای آزادسازی کشمیر، بنیان گذاری شده است. مقر اصلی این گروه در پنجاب پاکستان است.»

مراکز لشکر طیبه در کشمیر، سیالکوت و در کراچی پاکستان قرار دارد. این گروه در افغانستان و در هند، به هراس افکنی دست می‌زند و در جنگ‌های طالبان نیز نقش فعال دارد. بر اساس پژوهش ما، لشکر طیبه، به گونه متوازن با داعشیان و گروه طالبان در جنگ افغانستان، همکاری می‌کند. در جنگ غزنی نیز جنگجویان لشکر طیبه، در کنار طالبان نقش اساسی در سقوط شهر غزنی داشتند.

نام لشکر طیبه در فهرست گروه‌های هراس افکنی ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، اتحادیه اروپا، استرالیا و روسیه نیز ثبت شده است.

«تحریک طالبان پاکستانی: «تی تی پی» از گروه‌های فراگیر شبه‌نظامی اسلام‌گرا است که پایگاه‌های اصلی آن در بخش‌های شمال غربی پاکستان و در وزیرستان جنوبی در خاک این کشور است. پاکستان اما می‌گوید که رهبری این گروه هراس افکن در خاک افغانستان و در بخش‌های شرقی این کشور حضور دارند و از خاک افغانستان برضد پاکستان، فعالیت می‌کنند.»

منابع ما در این گزارش در میان نظامیان پیشین امریکایی، وزارت دفاع ملی و امنیت ملی افغانستان می‌گویند که اردوگاه‌های آموزشی تحریک طالبان پاکستانی، در خاک پاکستان و در وزیرستان جنوبی است. بسیاری از اعضای پیشین تحریک طالبان پاکستانی با جدایی از این گروه به داعش بیعت کرده‌اند و اما این گروه در کنار طالبان نیز در جنگ افغانستان فعال استند.

ملا فضل الله، رهبر گروه طالبان پاکستانی نیز، به روز ۱۴ ماه جون ۲۰۱۸ میلادی در ولایت کنر در شرق افغانستان، در نتیجه یک عملیات هوایی نیروهای امریکایی کشته شد. و در روزهای پایانی ۲۰۱۹ میلادی، قاری صفی الله محسود، از فرماندهان ارشد این گروه و سخنگوی رهبر طالبان پاکستانی، در ولایت خوست در جنوب شرقی افغانستان، کشته شد.

لطیف الله محسود، معاون تحریک طالبان پاکستانی نیز، در سال ۲۰۱۳ میلادی در ولایت لوگر در افغانستان بازداشت شد و پس از ۱۵ ماه حبس در زندان نیروهای امریکایی در بگرام، در ماه دسامبر ۲۰۱۴ میلادی به پاکستان سپرده شد. محسود به بمب‌گذاری در سال ۲۰۱۰ در میدان تایمز در نیویارک نیز متهم بود.

جیش محمد: گروه هراس افکن دیگری در پاکستان است که به دنبال جدایی کشمیر از هند، بنیان‌گذاری شده است. پایگاه اصلی این گروه در کشمیر است. جیش محمد با گروه‌های هراس افکنی که در افغانستان فعالیت می‌کنند نیز، همسویی داشته است. مسعود ازهر، رهبر گروه جیش محمد است. هراس افکنان هندی که در نبردهای افغانستان در کنار طالبان می‌جنگند، اعضای همین گروه استند.

تعداد پیکارجویان هندی در جنگ افغانستان، چشم‌گیر نیست. اما نقش این پیکارجویان بیشتر با القاعده مشهود بوده است و همکاری با طالبان نیز داشته‌اند. بنا به گزارش‌های رسانه‌ای، امر سینا، سفیر پیشین هند در افغانستان و از مشاوران امنیت ملی هند نیز نقش این جنگجویان را در افغانستان تانید کرده است و گفته است که برخی از آنان پس از بازداشت از سوی نظامیان افغانستان به حکومت هند سپرده شده‌اند.

جیش محمد با گروه‌های چون حرکت جهاد اسلامی، لشکر جهنگوی و سپاه صحابه هم رابطه‌های نزدیک دارد؛ گروه‌هایی که بسیار فعال در جنگ افغانستان استند. این گروه‌ها، از یاران میدان‌های نبرد طالبان در این کشور، شمرده می‌شوند. پایگاه‌های اصلی این گروه‌ها در خاک پاکستان موقعیت دارد.

لشکر جهنگوی: این گروه مسئولیت حمله خونین بر مراسم عاشورا را در کابل بر عهده گرفته است؛ رویدادی که به روز ۶ ماه دسامبر ۲۰۱۱ میلادی، صورت گرفت و ۵۵ کشته و بیش از ۱۶۰ زخمی برجا گذاشت. این از نخستین حمله‌ها بر پیروان مذهب شیعه در افغانستان گفته می‌شود. لشکر جهنگوی بر ضد شیعیان در سال ۱۹۹۶ میلادی از سوی ریاض بصر، در پاکستان تشکیل ظهور کرد.

نام این گروه در فهرست هراس افکنی امریکا، استرلیا و کانادا ثبت شده است. امریکا، بریتانیا، هند و سازمان ملل متحد، این گروه تندرو و اسلام‌گرا را به حیث یک گروه هراس افکن، شناخته‌اند. بیشتر هدف‌های این گروه در افغانستان نیز، پیروان مذهب شیعه بوده است.

حرکت المجاهدین، جماعت الاحرار، جماعت اسلامی، نفاذ شریعت، جمعیت العلماء، از دیگر گروه‌های هراس افکن پاکستانی استند که در کنار طالبان در میدان‌های جنگ افغانستان، فعالیت می‌کنند. جنگجویان این گروه‌ها در حال حاضر در بخش‌هایی از افغانستان نیز پایگاه‌هایی ساخته‌اند. حرکت المجاهدین رابطه بسیار نزدیک با القاعده در جنوب آسیا دارد. عاصم عمر، رهبر شبکه القاعده در شبه‌قاره هند نیز در نخست از اعضای برجسته حرکت المجاهدین و لشکر طیبه بود.

پیکارجویان ایرانی طالبان

جنگجویان ایرانی نیز زیر چتر جیش العدل در همکاری با طالبان در میدان‌های جنگ افغانستان استند. بر اساس پژوهش ما، این جنگجویان سنی‌مذهب آزادی‌خواه*** ایران، که در گذشته زیر چتر رهبری عبدالملک ریگی و عبدالحمید ریگی فعالیت می‌کردند، با پیوستن به جیش‌العدل در بخش‌هایی از وزیرستان‌های شمالی و جنوبی پاکستان، فعالیت داشته‌اند.

جنگجویان ایرانی که اعضای جیش العدل هستند، اکنون در بخش‌های محدودی در افغانستان با طالبان در جنگ یاری می‌کنند.

به طور کلی شمار جنگجویان ایرانی که با طالبان در میدان‌های جنگ افغانستان همکاری می‌کنند، اندک است. این پیکارجویان از بلوچ‌ها و کردهای ایران هستند. این جنگجویان در شمال افغانستان نیز در کنار طالبان فعالیت می‌کنند. حضور این پیکارجویان در فاریاب اما، بیشتر مشهود بوده است. در ماه جنوری سال ۲۰۱۹ ارتش افغانستان اعلام کرد که دو جنگجوی ایرانی طالبان را در نبردها در مسیر راه ولسوالی‌های شیرین تگاب و خواجه سبزیپوش فاریاب کشتند.

در تازه‌ترین مورد، در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۹ میلادی، یک ایرانی عضو مهم طالبان به نام علی‌رضا، در ولسوالی گزویان ولایت فاریاب، در یک عملیات ویژه کوماندوهای افغانستان، همراه با شش تن از فرماندهان طالبان در فاریاب کشته شدند. ظاهراً عملیات هدفمند در این اوخربرضد هراس افکنان خارجی در کشور، بیش از هر زمان دیگری افزایش یافته است. چیزی که افراد کلیدی این خارجیان را و داشته است تا به بخش‌هایی که امن هستند و از دید عملیات ویژه به دور بمانند، پنهان می‌شوند.

نقیب‌الله فایق، والی فاریاب، در این گزارش می‌گوید که نقش ایران در ولایت فاریاب گسترده است زیرا از هر دو خانواده در این ولایت یک یا دو تن از اعضای آنان برای کار به ایران رفته اند و ایران از این مهاجران برای سود جستن و برای رسیدن به اهدافش در بخش‌هایی از شمال افغانستان استفاده می‌کند و هر از گاهی آنان را وادار می‌سازد تا به میدان‌های جنگ طالبان نیز بروند.

والی فاریاب می‌گوید: “طالبان ایرانی برای آموزش و مشورت‌دهی به این ولایت می‌آیند. ایرانی‌ها هر از گاهی در برنامه‌های مشورتی و نظامی طالبان شرکت می‌کنند. ایرانی‌ها روابط مستحکم با شیخ مطیع‌الله، مسئول پنج ولایت جوزجان، فاریاب، سرپل، غور و بادغیس دارند. اطلاعات دقیق ما نشان می‌دهند که این افراد جنگجویان عادی نیستند.”

گروه‌های خارجی مختلف طالبان؛ اینفوگرافی را ورق بزنید*:

لشکر طیبہ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ



سال تاسیس:

سال ۱۹۹۰ میلادی

کشور اصلی جنگجویان:

پاکستان

بنیان گذار و رهبر گروه:

حافظ محمد سعید



جماعت انصارالله تاجیکستان

تصویری از پرچم گروه موجود نیست

سال تاسیس:

سال ۱۹۹۲ میلادی - در جریان جنگ داخلی

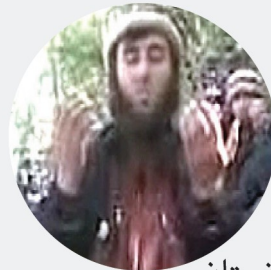
کشور اصلی جنگجویان:

تاجیکستان

بنیانگذار گروه:

امرالدين طبری

مرگ سال ۲۰۱۵ - شمال افغانستان



جیش محمد



سال تاسیس:

سال ۲۰۰۰ میلادی

کشور اصلی جنگجویان:

پاکستان

بنیان‌گذار و رهبر گروه:

مسعود اظهر



لشکر جهنگوی



سال تاسیس: سال ۱۹۹۶ میلادی

کشور اصلی جنگجویان: پاکستان

بنیان‌گذاران گروه:

ملک اسحاق

مرگ سال ۲۰۱۵ در پاکستان

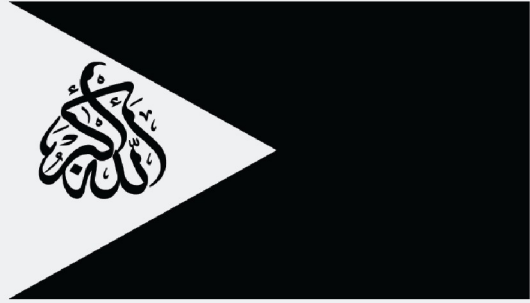
ریاض بسرا

مرگ سال ۲۰۰۲ در پاکستان



تصویری از او موجود نیست

جيش العدل



سال تاسيس:

سال ۲۰۱۳ ميلادی

کشور اصلی جنگجویان:

ايران

بنیانگذار گروه:

صلاح الدين فاروقی



حرکت اسلامی اوزبیکستان



سال تاسيس:

سال ۱۹۹۸ ميلادی

کشور اصلی جنگجویان:

اوزبیکستان

بنیانگذار گروه:

طاهر يولداسف

مرگ سال ۲۰۰۹ در پاکستان



حرکت المجاهدین



سال تاسیس:

سال ۱۹۸۵ میلادی

کشور اصلی جنگجویان:

پاکستان

رہبر گروہ:

فضل الرحمان خلیل



جنبش اسلامی ترکستان شرقی



سال تاسیس:

سال ۱۹۸۸ میلادی

کشور اصلی جنگجویان:

چین

رهبر گروه:

عبدالحق ترکستانی

تصویری از رهبر
گروه موجود نیست

تحریک طالبان پاکستانی

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ
تَحْرِيْكَ طَالِبَانِ پَاكِسْتَانِ

سال تاسیس:

سال ۲۰۰۷ میلادی

کشور اصلی جنگجویان:

پاکستان

رهبر گروه:

مفتی نورولی محسود



جنگجویان آسیای مرکزی در افغانستان

دیری است که جنگجویان هراس افکن از کشورهای آسیای میانه نیز، در میدان‌های نبرد افغانستان در کنار طالبان، جنگ را شعله‌ور نگه داشته‌اند. بر اساس این پژوهش، پس از پاکستانی‌ها در کنار طالبان، بیشترین شمار جنگجویان خارجی را شهروندان کشورهای آسیای میانه به ویژه اوزبیکستانی‌ها و تاجیکستانی‌ها می‌سازند. از ترکمنستان، قیرغزستان، کازاقستان، چین، از قفقاز شمالی و جنوبی و نیز برخی هم شهروندان روسیه پا به میدان‌های جنگ افغانستان گذاشته‌اند.

این جنگجویان بیشتر در بخش‌های شمال، شمال شرق و در بخش‌های شرقی افغانستان، فعالیت می‌کنند. در این پسان‌ها اوزبیکستانی‌ها بیشتر از دیگران در شمال برای پیوستن به داعش مایل شده‌اند. تاجیکستانی‌ها و اوزبیکستانی‌ها، بیش از هر جای دیگری در افغانستان در ولایت‌های بدخشان، تخار، کندز، جوزجان، فاریاب و درسرپل، زیر پرچم طالبان فعالیت می‌کنند. همزمان اما، در بخش‌هایی از این ولایت‌ها، آنان سربازان جنگ داعشیان هم هستند و در مواردی در همسویی میان داعشیان و گروه طالبان قرار می‌گیرند. اکثر اوزبیکستانی‌ها با خانواده‌های‌شان این‌جا می‌آیند.

تمیم عاصی، معاون پیشین وزارت دفاع ملی افغانستان، در این گزارش می‌گوید که طالبان یک چتر برای جنگجویان خارجی در افغانستان هستند. این مقام پیشین ارتش افغانستان، پرده برمی‌دارد که جنگجویان خارجی در وزیرستان شمالی و جنوبی پایگاه اصلی داشتند و با راه‌اندازی عملیات نظامیان پاکستانی برضد برخی از گروه‌های ضدامنیت پاکستان در سال‌های اخیر، این خارجی‌ها به افغانستان کوچیده‌اند.

معاون پیشین وزارت دفاع ملی افغانستان می‌گوید: «این جنگجویان نقش بزرگی در میدان‌های جنگ در صفوف طالبان دارند. بسیاری از این جنگجویان خارجی، ناراضیان و جنایت‌کارانی هستند که در کشورهای خودشان زیر پیگرد قرار دارند. آنان در کشورهای خودشان مصنویت ندارند و از مجرمان سازمان‌یافته داخلی این کشورها هستند.»

حرکت اسلامی اوزبیکستان/ تحریک اسلامی اوزبیکستان گروهی است که از سوی جمعه‌نمگانی و طاهر یولداشف، بنیان‌گذاری شده است. این سازمان هراس‌افکن، از متحدان طالبان و القاعده شمرده می‌شود. در اوایل جنگجویان تحریک اسلامی اوزبیکستان، از اردوگاه‌های امن و آموزشی‌شان در وزیرستان شمالی و جنوبی از خاک پاکستان، در جنگ‌های طالبان به خاک افغانستان می‌آمدند و اما در سال‌های پسین، بخش‌هایی از افغانستان به ویژه در شمال و شمال شرق این کشور پناهگاه گرفته اند.

تحریک اسلامی اوزبیکستان در بسیاری از کشورهای آسیای میانه فعالیت داشته است. نام این گروه درج فهرست هراس‌افکنی وزارت خارجه امریکا نیز است. هدف اصلی یولداشف، تاسیس حکومت اسلامی در اوزبیکستان بوده است. پیکارجویان تحریک اوزبیکستان بیشتر از دیگر گروه‌ها در بخش‌های شمال شرق افغانستان، به ویژه در ولایت کندز و در ولایت‌های شمالی فاریاب و جوزجان می‌جنگند.

اویغورهای آزادی‌خواه*** چین

شمار جنگجویان هراس‌افکن اویغوری‌ها در افغانستان نیز درشت است. این جنگجویان زیر چتر تحریک ترکستان شرقی در افغانستان فعالیت می‌کنند. اویغورها در کنار این که در بخش‌هایی از بدخشان بسیار فعال هستند، در بخش‌های مرزی افغانستان با چترال پاکستان و نورستان پایگاه‌های آموزشی و نظامی دارند. این هراس‌افکنان از ولایت بدخشان افغانستان که با چین مرز دارد، در نبردها و فعالیت‌های هراس‌افکنانه در افغانستان رهبری می‌شوند.

این جنگجویان مردمان آزادی‌خواه ایالت سین‌کیانگ چین هستند و حکومت این کشور در پی سرکوب هراس‌افکنان اویغوری نیز برآمده است. پیکارجویان اویغوری رابطه بسیار نزدیک با طالبان داشته اند و همکاری‌های این دو گروه، در نبردهای ولایت بدخشان در همسایه‌گی با چین، گسترده بوده است.

بر اساس پژوهش ما، بسیاری از گروه‌های هراس‌افکن آسیای میانه، در کنار این که به سود طالبان در افغانستان می‌جنگند، اهداف خودشان را نیز از خاک افغانستان بر ضد منافع کشورهایشان دنبال می‌کنند. تمیم عاصی، معاون پیشین وزارت دفاع ملی افغانستان می‌گوید که گروه‌های هراس‌افکن آسیای میانه، در پی راهیابی و طرح‌ریزی حملات هراس‌افکنانه در بیرون از افغانستان نیز هستند.

تمیم عاصی، معاون پیشین وزارت دفاع ملی افغانستان می‌گوید: «جنگجویان خارجی در افغانستان به دو هدف می‌جنگند؛ یکی برای ایجاد لانه‌های امن و مستحکم برای تهدید جهانی و دیگری برای طرح و سازماندهی حمله‌های هراس‌افکنانه و براندازی نظام کشورهای متبوع خودشان. این جنگجویان، نقش آموزش طالبان و فرماندهان آنان را در ساخت بمب‌ها، حمله‌های انتحاری و موتر بمب‌ها، آموزش پیکارجویان طالب در سوق و اداره، تکنیک‌های جنگی، تامین ارتباطات با نهادهای خاص و حتی سازمان‌های استخباراتی کشورهای منطقه و خلیج، هماهنگی و همکاری میان طالبان و گروه‌های تروریستی آسیای میانه و دادن انگیزه‌های دینی و مذهبی برای طالبان در میدان‌های جنگ افغانستان دارند و گروه طالبان چتری برای اینان شده است.»

بر اساس یافته‌های ما، تا دو سال پیش ۳۰۰ خانواده پیکارجویان اوزبیکستانی نیز در بخش‌هایی از ولایت فاریاب جابجا شده بودند. در این پسان‌ها اما، شمار این خانواده‌ها به کم‌بیش دوصد خانواده می‌رسد. اکثر خانواده‌های این جنگجویان، در ولسوالی المار فاریاب که طالبان این ولسوالی را به نام «خیر» تغییر نام داده اند، بسر می‌برند. از آن جایی که مردمان بومی این مناطق اوزبیک هستند، جنگجویان اوزبیکستانی به آسانی توانسته اند که جای پای خوب با خانواده‌هایشان در میان این مردمان بگیرند و شناسایی‌شان نیز در میان مردمان بومی دشوار شده است.

جنگجویان اوزبیکستانی به خوبی توانسته اند که ازباشندهگان بومی فاریاب، جوزجان و سرپل سرپازگیری کنند. این جنگجویان ازطراحان و برنامه‌سازان جنگی و عملیاتی طالبان هستند. نوجوانان و جوانان فاریاب از بهر بیکاری و وضعیت بد اقتصادی، خیلی ساده به دام این جنگجویان افتاده اند. درموردی هم طالبان و داعش مردمان فاریاب، جوزجان و سرپل را وادار ساخته اند که به یاری آنان سلاح بردارند. هراس افکنان خارجی زیادی در ولایت سرپل، جوزجان و اما بیشتر در فاریاب فعالیت دارند.

در ماه‌های پسین، تمایل اوزبیکستانی‌ها به داعش بیشتر شده است. هرآنگاه هم این پیکارجویان خارجی همزمان در همسویی با طالبان و داعش قرار می‌گیرند. بر اساس پژوهش ما، با پیوستن کامل اوزبیکستانی‌ها با داعش، به هزاران سرباز و حتی فرماندهان رده دوم و سوم طالبان، پرچم داعشیان را در بخش‌هایی از فاریاب، جوزجان و سرپل بلند خواهند کرد، زیرا جنگجویان طالبان و فرماندهان این گروه به‌شدت وابسته به کارآیی‌های اوزبیکستانی‌ها هستند.

نقیب الله فایق، والی فاریاب در این گزارش می‌گوید: «بسیاری از فرماندهان ارشد طالبان، از آموزش دیدگان همین جنگجویان اوزبیکستانی‌ها هستند. نگرانی‌های ما و ناتو نیز این است که با پیوستن کامل اوزبیکستانی‌ها با داعش، صفوف داعش از افراد طالبان پر خواهد شد. زیرا طالبان در این بخش‌ها به اوزبیکستانی‌ها بسیار وابسته هستند. اطلاعات استخباراتی را نیز همین جنگجویان با طالبان شریک می‌سازند. شمال افغانستان، بستر مناسبی برای ظهور گسترده داعش شده است.»

طالبان افغانستان اما در مواردی در جنگ‌های سوریه و عراق نیز به یاری داعش رفتند. شبکه القاعده که میانه خوب با داعش در سوریه و عراق نیز داشت، با گروه طالبان افغانستان و داعش نقش میانجی را بازی می‌کرد و نقش شبکه القاعده را در ریشه دواندن داعش در افغانستان نیز نمی‌شود نادیده گرفت.

نخستین مسئول داعش در جنوب افغانستان نیز، ملا عبدالرؤف خادم، از افراد بسیار نزدیک به ملا عمر، رهبر پیشین گروه طالبان بود. پس از مرگ ملا عمر، رهبری طالبان ملا خادم را به حاشیه راندند و این جدایی‌ها و اختلاف‌ها، زمینه انتقام‌گیری‌ها را میان داعشیان طالب و گروه طالبان افغانستان، برجسته ساخت.

امنیت ملی افغانستان، در فبروری ۲۰۱۵ میلادی، پس از کشته‌شدن ملاخادم در یک عملیات ویژه در هلمند پرده برداشت که ملا خادم، در اکتوبر سال قبل از راه ایران به عراق رفته بود و در آن جا به داعش بیعت کرد. خادم هفت سال در بند نیروهای امریکایی تا سال ۲۰۰۹ میلادی در زندان گوانتانامو و بگرام بود. ملا خادم فعالیت‌هایش را به حیث مسئول داعش از زادگاهش در ولسوالی کجکی هلمند آغاز کرده بود.

طالبان و داعشیان مانند دو روی یک سکه در جنگ افغانستان هستند.

آنچه ما در این گزارش دریافتیم، این است که با توافق صلح میان امریکا، حکومت افغانستان و گروه طالبان، بازار جنگ داعش پرفروش خواهد شد. زیرا از همین اکنون بسیاری از جنگ‌طلبان طالب و پیکارجویان خارجی این گروه، در کنار داعشیان در حال صف‌آرایی و پیوستن هستند.

داعشیان در کدام بخش‌های افغانستان و چگونه ریشه دوانیده اند؟ در بخش دوم این گزارش، چگونگی فعالیت‌های داعش، شمار و کیستی پیکارجویان این گروه نیز، پژوهش شده است.

* مصورسازی داده: پیام الهامی

** خس دزد: دزد خرده‌پا، «آفتابه‌دزد»

*** آزادی‌خواه در دری به معنای جدایی‌طلب است.

بیشتر بخوانید:

کلیدواژه‌ها: [آمریکا در افغانستان](#), [افغانستان](#), [ایران در افغانستان](#), [بریتانیا در افغانستان](#), [جنگجویان خارجی طالبان](#), [روابط ایران و افغانستان](#), [روابط پاکستان و افغانستان](#), [صلح آمریکا و طالبان](#), [طالبان](#), [ولی آرین](#), [پاکستان در افغانستان](#), [پژوهش‌های زمانه](#)

1. مقاله ای پس طولانی (به بیان شیرین دری) و مطلع ترین تحلیلی که تا به حال در مورد گروه‌های درگیر در افغانستان خوانده ام. پس از خواندن فهرست‌های طویل و طولانی اینهمه جنگجویان خارجی در افغانستان، واقعا این پرسش پیش می‌آید که چنانچه هم بر فرض محال تمامی مذاکرات صلح با طالبان به خوبی پیش برود، باز هم لشکری از انواع و اقسام تروریست‌های خارجی و داخلی و همسایه به جای خود باقی می‌مانند که با آنها چکار باید کرد؟ به هر رو متنی بسیار نفیس و روشن‌گرانه. منتظر قسمت بعدی.

برخی ترجمه‌ها و واژگان‌ها در بیان دری بسیار زیباتر و گویاتر از بیان فارسی ایرانی است. مثلا در ایران ما “Terrorist” را “خرابکار” ترجمه می‌کنیم یا می‌کردیم (که البته چند دهه‌ها می‌شود که فقط مینویسیم تروریست!)، اما در این مقاله “هراس افکن” ترجمان شده است که بسیار دقیقتر است. یا واژه‌ها بیمارستان در زبان ما، که در فارسی دری “شفابخانه” خوانده می‌شود.

مینا / ۱۱ اسفند ۱۳۹۸

تمامی حقوق برای رادیو زمانه محفوظ است. ۲۰۰۶-۲۰۲۰